

روز ملخ

ناتانیل وست

مترجم
فرید دبیر مقدم

www.ketab.ir



نشر ماه

تهران

۱۴۰۰

۲۱۱/۳۵۰
۱۲-۶۲۷

www.ketab.ir

روز پنج

ناشر: نشر
فرید دبیرمقدم
مهدی نوری
علیرضا اسماعیل پور

نویسنده
مترجم
ویراستاران

پاییز ۱۴۰۰
۱۵۰۰ نسخه

چاپ اول
تیراژ

حسین سجادی
مصطفی حسینی
محمد تقی بابایی
آرماتسا
صنوبر
آرماتسا

مدیر هنری
ناظر چاپ
حروف نگار
لیتوگرافی
چاپ جلد
چاپ متن و صحافی

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۲۰۹-۳۴۴-۱
همه ی حقوق برای ناشر محفوظ است.



پیش‌گفتار مترجم

« و چاه‌هاویه را گشاد و دودی چون دود تنوری عظیم از چاه بالا
آمد و آفتاب و هوا از دود چاه تاریک گشت. و از میان دود، ملخ‌ها به
زمین برآمدند و به آن‌ها قوئی چون قوئی عقرب‌های زمین داده شد. »
(مکاشفات یوحنا، باب ۹، آیات ۲ و ۳)

روز ملخ چهارمین و آخرین رمان ناتانیل وست، نویسنده‌ی امریکایی، است. چندی
پس از انتشار این رمان، وست در سی و هفت سالگی به همراه همسرش، آیلین
مک‌کنی، در تصادف رانندگی جان باخت، آن هم در روز بیست و دوم دسامبر
۱۹۴۰، درست یک روز پس از مرگ دوست نزدیکش، اسکات فیتزجرالد. برخلاف
فیتزجرالد که در زمان مرگش نویسنده‌ای بسیار شناخته‌شده بود و دست‌کم در
اوایل کار آثارش فروش بالایی داشتند، ناتانیل وست هنگام مرگ نویسنده‌ای
کم و بیش گمنام بود که آثارش نه پر فروش بودند و نه با استقبال منتقدان روبه‌رو
می‌شدند. منتقدان محافظه‌کار و دست راستی آثار او را بیش از حد نیهیلیستی و
آخرالزمانی می‌شمردند و منتقدان رادیکال و چپ‌گرا نیز آن‌ها را طنزآمیزتر از آن
می‌پنداشتند که در ادبیات جدی و ضدفاشیستی رایج در دهه‌ی ۱۹۳۰ جای گیرند.^۱
خود وست در نامه‌ای به فیتزجرالد، به تاریخ سی‌ام ژوئن ۱۹۳۹، درباره‌ی واکنش‌ها
به روز ملخ چنین نوشت: «تا به این جا اوضاع از این قرار است: نقدهای مثبت:
۱۵ درصد؛ نقدهای منفی: ۲۵ درصد؛ حملات خصمانه‌ی شخصی: ۶۰ درصد؛
فروش: عملاً هیچ. به هر حال، فکر می‌کنم دست به نگارش رمان دیگری بزنم.»^۲

1. *The Writing of Nathanael West*, Alistair Wisker, Palgrave Macmillan, 1990, p. 3.

2. Nathanael West to F. Scott Fitzgerald, in *Nathanael West: Novels and Other Writings*, The Library of America, 1997, pp. 795-796.

این فرصت هیچ‌گاه به دست نیامد، فرصتی که به عقیده‌ی ویلیام کارلوس ویلیامز، شاعر مدرنیست شهیر آمریکایی و از معدود هواداران وست در زمان حیاتش، اگر پیش می‌آمد، وست را بدل به یکی از بهترین نثرنویسان آن دوران می‌کرد. تازه از اواخر دهه‌ی ۱۹۵۰ میلادی بود که آثارش رفته‌رفته نظر منتقدان را جلب کرد، مقالات بسیاری درباره‌شان نوشته شد و به چندین زبان ترجمه شدند.^۱ در حال حاضر، انتشارات کتابخانه‌ی مدرن^۲ و مجله‌ی تایمز رمان روز ملخ را در فهرست صد رمان برتر انگلیسی‌زبان قرن بیستم جای داده‌اند و هارولد بلوم، منتقد سرشناس آمریکایی، آن را جزو آثار معتبر ادبیات غرب می‌شمارد.^۳

برای درک جایگاه این رمان بهتر است ابتدا نظری به حال و هوای دهه‌ی ۱۹۳۰ در آمریکا بیندازیم. بحران عظیم اقتصادی در ۱۹۲۹ نقطه‌ی پایانی بود بر حس پیروزی و غرور آمریکایی‌ها در دهه‌ی ۱۹۲۰، دهه‌ی پرزرق و برقی که رمان گتسی بزرگ (۱۹۲۵) بهترین راوی آن است. در دهه‌ی ۱۹۳۰، بارکود گسترده‌ی اقتصادی و کاهش تولید کارخانه‌ها، بیکاری در کشور به شدت افزایش یافت. همچنین، با خشکسالی فراگیر در ایالت‌های مرکزی آمریکا، کشاورزان بسیاری زمین‌های خود را از دست دادند. بیداد فقر و بیکاری برای نخستین بار به افزایش بی‌سابقه‌ی مهاجرت در ایالات متحده انجامید. مقصد اصلی این مهاجران کالیفرنیا بود و بهترین راوی این مردمان بخت‌برگشته در آن دوران جان استاین‌بک، به‌ویژه در موش‌ها و آدم‌ها (۱۹۳۷) و خوشه‌های خشم (۱۹۳۹). از قضا این آخری درست یک ماه پیش از روز ملخ منتشر شد، روایتی از کوچ خانواده‌ای کشاورز از اوکلاهاما به کالیفرنیا برای یافتن کار.

در هنگامه‌ی این سردرگمی و سرخوردگی، دهه‌ی ۱۹۳۰ اولین دهه‌ی

۱. نکته‌ی جالب توجه این‌که اولین آشنایی فارسی‌زبانان با ناثانیل وست کم و بیش همان سال‌ها روی داد. شادروان عبدالله توکل در سال ۱۳۴۱ دومین رمان وست، میس لونی‌هارتز، را با عنوان دلشکسته ترجمه کرد (انتشارات مروارید) و در جمله‌ی آخر مقدمه‌ی خود بر ترجمه‌اش با لحنی پر شور و صادفانه بگویم: «اغراق آمیز - چنین نوشت: «اکنون پس از بیست و چند سال که از مرگ وست می‌گذرد، می‌گویند آمریکا کافکای خود را پیدا کرده است.» (ص: ۱۱).

2. Modern Library

3. *The Western Canon: The Books and School of the Ages*, Harold Bloom, Harcourt Brace & Co., 1994, p. 563.

فیلم‌های ناطق و آغاز عصر طلایی هالیوود نیز بود. هالیوود در این دهه جایگاه خود را در مقام قدرتمندترین مرکز فرهنگی و تجاری دنیا تثبیت کرد. مردمان خسته از فقر و بیکاری حال رؤیاهای بر باد رفته‌ی خود را در فیلم‌های هالیوودی جست‌وجو می‌کردند و از همین زمان بود که هالیوود به کارخانه‌ی رؤیاسازی یا، به تعبیر وست در همین رمان، «آشغالدانی رؤیاهای» تبدیل شد. در همین دوران، نویسندگان بسیاری نیز به هالیوود آمدند تا از راه فیلمنامه‌نویسی برای این صنعت نوپا امرار معاش کنند، نویسندگان بزرگی چون ویلیام فاکنر، فیتز جرال و البته ناتانیل وست. وست در ۱۹۳۳ به هالیوود رفت و شروع به فیلمنامه‌نویسی کرد. او درست در آغاز شکل‌گیری این صنعت عظیم در هالیوود حضور داشت و، همچنان‌که از نویسندگان تیزبین انتظار می‌رود، مسحور جلال و جبروت و زرق و برق آن نشد، بلکه دست روی وجه دیگری از هالیوود گذاشت و در روز ملخ آن را به تصویر کشید. از یک سو شخصیت‌های ناکام و به حاشیه‌رانده‌شده‌ی این صنعت (سیاهی‌لشکرهای دلتا، نمای از رده خارج‌شده‌ی تئاترهای پیش‌پاافتاده و هنرپیشگان بی‌استعداد) و از سوی دیگر تماشاگران فریب‌خورده. طرفه آن‌که در ابتدا عنوان رمان فریب‌خوردگان بود، اما وست کمی پیش از انتشار کتاب آن را تغییر داد. این فریب‌خوردگان مردمان مناطق سردسیر امریکا هستند که بعد از عمری کار یکنواخت و طاقت‌فرسا و پس‌انداز اندکی پول به سرزمین آفتابی کالیفرنیا می‌آیند تا خود را غرق در رؤیاهایی سازند که هالیوود وعده‌اش را به آن‌ها داده بود. اما آنچه در واقعیت با آن مواجه می‌شوند سرخوردگی و از آن مهم‌تر ملال است. این جماعت درمانده و پریشان به هر چیزی متوسل می‌شوند تا از شر این ملال جانکاه خلاصی یابند و معنایی به زندگی تباه‌شده‌ی خود ببخشند، از تعقیب جنون‌آمیز هنرپیشگان مشهور گرفته تا تمسک به انواع و اقسام آیین‌های عجیب و غریبی که نوید معجزه می‌دهند. با این همه، این ملال، یا به تعبیر بودلر «جانور»، با هیچ چیز تسکین نمی‌یابد و «آماده است که از کره‌ی خاک ویرانه‌ای سازد / و دنیا را در خمیازه‌ای فروبلعد»^۱.

۱. «به خواننده»، ملال پاریس و برگزیده‌ای از گل‌های بدی، شارل بودلر، ترجمه‌ی محمدعلی اسلامی ندوشن، نشر فرهنگ جاوید، چاپ اول، ۱۳۹۵، ص. ۲۰۵.